

جنگ آلمان و شوروی

۱۱ - اقدامات سیاسی

• کنفرانس سه دولت ، در ۲۹ سپتامبر در مسکو، کشایش یافت و پس از سه روز مذاکرات طولانی که در طی آن لرد بیوربروک، (۱) و مستر اورل هریمن، (۲) همکاران خود را از لحاظ پشت کار در شکفت انداخته و استالین، را خشنود ساخته بودند پایان یافت. در اول ماه اکتبر سران هیئت اعزامی انگلستان و آمریکا بروسیه اعلامیه مهمی صادر نمودند باین مضمون که کنفرانس سه دولت، که جهت رسیدگی باحتیاجات دولت اتحاد جماهیر شوروی برای شکست نیروی محور تشکیل شده بود خاتمه یافت. در این کنفرانس مسیو مولوتف، سمت ریاست داشته و منابع کشور روسیه و ظرفیت تولید آمریکا و انگلستان مورد بررسی قرار گرفته و چنین تصمیم اتخاذ شد که کلیه احتیاجات نظامی و غیر نظامی دولت شوروی را دولتین انگلستان و آمریکا در تحت اختیار وی گذارند. وسائل حمل و نقل و خطوط ارتباطی مورد توجه مخصوصی قرار گرفته و نقشه‌هایی برای توسعه وسائل حمل و نقل و از دیاد آن طرح گردید.

در آخرین اعلامیه تصریح شده بود که در طول مدت کنفرانس روح مودت و حسن تفاهم فیما بین سه کشور وجود داشت. استالین، از لرد بیوربروک، و مستر هریمن، تقاضا نمود که تشکرات قلبی ویرا راجع به مساعدتهای فراوانی که نسبت بدولت شوروی مبذول داشته اند بدول متبوعه خود تقدیم دارند اندکی پس از پایان کنفرانس متن نامه‌ای که مستر هریمن، از طرف مستر روزولت، رئیس جمهور آمریکا برای استالین، آورده بود منتشر گردید، لحن نامه کاملا دوستانه و حاکی از اعتماد رئیس جمهور آمریکا به پیروزی نهائی ارتش روس بر هیتلر، و تصمیم دولت آمریکا با اجرای بزرگترین مساعدت ممکن بود. پس از مراجعت بانگلستان لرد بیوربروک،

نتیجه ایرا که هیئت اعزامی او و مستر «هریمن» بدست آورده بودند در پشت رادیو بیان نمود و گفت چگونه هر موقع که تقاضائی پس از تقاضای دیگر مورد قبول نمایندگان انگلستان و آمریکا واقع میشد مستر «مولوتف» از فرط شغف از صندلی خود برخاسته و علائم آسودگی خاطر در سیمای «استالین» آشکار میشد. لرد «بیوربروک» نیروی هوایی ارتش سرخ مخصوصاً بمب افکن های عمود روی «ستورموویک»^(۱) را مورد تحسین قرار داده معتقد بود که هواپیما های شکاری M. T. G. 3 شوروی میتوانند بخوبی با «سراشمیت» های آلمانی برابری نمایند و ضمناً از هلت انگلستان درخواست نمود که در انجام وعده هائی که او از طرف آنها بدولت شوروی داده منتهای کوشش را مبذول دارند.

در روز ۱۳ اکتبر مستر «روزولت» اعلام داشت که مهمات مرتباً بروسیه فرستاده میشود و قبل از آنکه ماه به پایان رسد مقدار مهماتی که برای ماه اکتبر در کنفرانس «مسکو» وعده داده شده بود بروسیه حمل خواهد شد. نمایندگان پس از مراجعت از «مسکو» آنگاه از آمریکائیان ایرا که در پایداری روسها در تردید بودند مطمئن ساختند که اگر چه وضعیت روسها مخصوصاً پس از آغاز حمله دوم آلمانیها بمسکو و بینهایت وخیم بود معیناً قدرت پایداری ارتش سرخ فوق العاده زیاد و روحیه ملی آنان شایسته سرمشق قرار گرفتن است.

این ایجاد اعتماد بینهایت بموقع بود زیرا از طرفی عده ای از آمریکائیها حس تنفر غریبی نسبت بروسها در دل داشتند و از طرف دیگر معتقدین به سیاست بیطرفی آمریکا حاضر بقبول هر گونه شایعات راجع بدرام «کمیسختن رشته امور داخلی روسیه و یادخول دولت شوروی در مذاکرات صلح جداگانه با آلمان بودند. با این وصف جای تعجب است که چگونه موقعیکه رئیس جمهور آمریکا اعطای ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار قرض بدولت روسیه را در ۳۰ اکتبر پیشنهاد نمود و «استالین» در چهارم نوامبر آنرا پذیرفت این عناصر مخالف مخالفت سختی ابراز نداشتند. اگر چه طبق قانون «وام و اجاره» رئیس جمهور آمریکا میتواند شخصاً دستور اعطای وام را صادر نماید معیناً از آنجائیکه مشارالیه در هیچ موقع بدون سنجیدن عقاید عمومی از اختیارات خود استفاده نمیکرد در این موقع هم بسنجش عقاید عمومی پرداخت و در نتیجه ملت را با خود کاملاً همراه دید.

آلمانیها این پشتیبانی و کمک آمریکا را از بزرگترین دشمن خود در اروپا طبق روشی که مخصوص آنها است تلقی نمودند. چند هفته قبل از آن آلمانیها نقشه «نظام نوین» اروپا را طرح نموده و اغلب از «سران نازی» معتقد بودند که ارتش سرخ در شرف انهدام بوده و کشور های بیطرف مانند سوئد و ترکیه و غیره که قهراً متوجه این امر میباشند عنقریب «باربایان تازه اروپا» خواهند پیوست. ضمناً مأمورین تبلیغات آلمان در ترکیه و سایر کشورها شایعاتی دائر بامکان صلح بین روسیه و آلمان انتشار میدادند. با اینوصف کشور های بیطرف باینکه جنگ بزودی به پایان خواهد رسید معتقد نبوده و حکومت های دست نشانده نازیها باندازه کافی از موقعیت خود اطمینان نداشتند. بعلاوه در انگلیسیها بهیچوجه علائم تسلیم آشکار نبود. آمریکائیها بفرستادن مهمات و آلات و ادوات جنگی ادامه داده و از همه مهمتر آنکه سربازان شوروی سخت مشغول پیکار بودند در نتیجه گفرائس «نظام نوین» تشکیل نگردید. در ازاء پیشوای آلمان و «ریبن تروپ» نقش دیگری بازی نمودند ایندو عقیده مند بودند که در اغلب از کشور هائیکه بوسیله ارتش آلمان اشغال شده حس تنفر شدیدی نسبت بمرام «کمونیسم» وجود دارد همچنین از درجه عدم اعتماد برخی از آمریکائیهای متنفذ نسبت بسیاست دولت شوروی آگاه بودند. اگرچه در کشور های نامبرده حس تنفر وجود داشت لکن آلمانیها در تصور اینککه مخالفین مرام «کمونیسم» در اروپای اشغال شده و آمریکا نازیها را به کمونیستها برتری میدهند سخت در اشتیاق بودند. از طرف دیگر امیدوار بودند که پشتیبانی کاتولیکها را بدست آورند، بنابراین در ۲۵ نوامبر برای جشن پنجمین سال پیمان «ضد کمینترن» کشور های کوچک و بزرگی را که بگروه محور پیوسته بودند دعوت نمودند.

در برلن هفت وزیر خارجه «کنت چیانو» وزیر خارجه ایتالیا، سنیور «سونر» (۱) وزیر خارجه اسپانی و «باردوسی» (۲) وزیر خارجه مجارستان و «ویتینگ» (۳) وزیر خارجه فنلاند، «پوپوف» (۴) وزیر خارجه بلغارستان و «لارکوویچ» (۵) وزیر خارجه «کروآسی» حضور یافتند «ریبن تروپ» بنحو

شکفت انگیزی موفق گردید . اسکاونیوس ، (۱) تنها وزیر ، نازی ، حکومت دموکراسی دانمارک را به این هیئت اضافه نماید . ژاپن و منچو کوو ، بوسیله سفرای خود در این جلسه شرکت جستند . ازا سلاواکی و توکاه (۲) و ازرومانی «نیهیل» (۳) معاون نخست وزیر در هیئت حاضر بودند . در این جلسه عمل مهمی جز پیمان ، ضد کمیترن ، انجام نیافت و آنکشور هائی که با دولت شوروی در جنگ نبودند باامضاء پیمان نامبرده دعوت نشدند از تمام سخنرانیهای این جلسه فقط سخنرانی «رینن تروب» انتشار یافت . وزیر خارجه آلمان مستر «روزولت» را یکی از مؤسسين جنگ فامید و امید انگلیسیها را برای ایجاد انقلاب در اروپا مورد استهزا قرار داد و گفت که «در عهد نیروی موتوریزه ، زره پوش و اشتوگا انقلاب و شورش غیر ممکن است صورت عمل بخود گیرد ، پس از ختم امضاء پیمان ، ضد کمیترن ، بکشور های امضاء کننده ابلاغ شد که ممکنست در آتیه مجبور بچنگ بر علیه افکستان و آمریکا گردند . پس از آن تطبیق سیاست خارجی کشور های نامبرده و اینکه آیا هر کشور کوچکی باید از ارتش خود نگاهداری نماید یا اینکه همکاری آلمان را بپذیرد و همچنین توأم نمودن اقدامات ضدیهود مورد بحث قرار گرفت . طرز رفتار آلمان نسبت به متفقین کوچک خود از پاسخ یکی از نمایندگان وزارت خارجه آلمان در مقابل این سؤال که آیا کشورهای دیگری بغیر از امضاء کنندگان پیمان به این جلسه دعوت شده و از حضور امتناع ورزیده اند یاخیر بخوبی معلوم میشود . نماینده وزارت خارجه آلمان گفت : «سیاست آلمان وسائلی را بکار میبرد که در آن خطر امتناع بکلی مرتفع میگردد .»

در این جلسه پیشوای آلمان حضور نیافت لکن در هشتم ماه نوامبر یعنی در جشن یادبود کودتای «مونیخ» راجع به این موضوع بداندازه کافی اظهار عقیده نموده بود . در این روز «هیتلر» ادعا نمود که ارتش آلمان تاکنون ۳،۶۰۰،۰۰۰ اسیر از روسها گرفته است و قهراً تلفات و تعداد مجروحین روسها باید از دوبرابر این پیکره تجاوز نموده باشد . او عقیده مند بود که «ارتش روس دیگر قادر باجرای عملیات نظامی نیست . روسیه کشوری است پرتروت لکن سرزمین آن بوسیله کلبه نشینان پست و کثیفی اشغال شده است» پیشوای

آلمان طبق معمول معاهده « ورسای » را مورد بحث قرار داده یهودیها را دشمن بزرگ انگلستان خواند و مستر « چرچیل » را « دیوانه مست » نامید. بطور خلاصه سخنان وی با فحاشی و لاف و گزاف آمیخته بود.

در ششم ماه دسامبر « استالین » در جشن بیست و چهارمین سال انقلاب بلشویک اظهار داشت که تا آن موقع روسها ۷۲۸،۰۰۰ کشته و زخمی و ۱،۰۲۰،۰۰۰ اسیر داده اند در صورتیکه تلفات آلمانیها به ۴،۵۰۰،۰۰۰ کشته، زخمی و اسیر میرسد. اظهارات پیشوای شوروی چندان قانع کننده نبود زیرا بفرض آنکه تلفات روسها را بحقیقت نزدیک تصور نمائیم قبول اینکه آلمانیها از ارتش پنج ملیون و نیمی خود چهار ملیون و نیم از دست داده اند و هنوز قادر به پیشروی و وارد آوردن ضربات شدید میباشند غیر ممکن است، بااینوصف سخنان « استالین » شامل قضاوتهای نظامی متین و صحیح بود. او بعدم موفقیت اعتراف نمود و گفت اگرچه ارتش سرخ در آغاز جنگ فاقد تجربیات جنگی آلمانیها بود معذرا روحیه افراد آن قویتر و ذخیره نفرات آن بیشتر میباشد بطوریکه اخیراً سی لشکر جدید تشکیل گردیده است امید دشمن در ایجاد نفاق بین کارگران و دهقانان بیاس تبدیل و نقشه جنون آمیز آنان راجع بشکست شوروی در عرض دو ماه خنثی گردیده است.

پیشوای روسیه گفت که ارتش شوروی جنگ را در شرایط نامساعدی آغاز نمود و چنین اضافه کرد: « ما اینبار این مجبور بودیم عقب نشینی نمائیم، قسمتی از خاک خود را بدشمن واگذاریم و موقتاً باشکست روبرو شویم چون در قطعه اروپا ارتش انگلستان و آمریکا هنوز بجنگ اقدام ننموده اند لذا عمل دشمن آسانتر میباشد. امیدواریم جبهه دوم بزودی تشکیل گردد تا شاید بدین ترتیب زحمت ارتش سرخ تخفیف یابد این یکی از دلایل عدم موفقیت ارتش سرخ بود، دلیل دیگر عدم کفایت ارابه های جنگی و هواپیما میباشد که در هر دو دشمن از لحاظ تعداد بر روسیه برتری دارد. بااین که ارابه های جنگی روسیه از ارابه های جنگی آلمان بهتر و نیروی هوایی شوروی ارزش حقیقی خود را تا کنون باثبات رسانده است و کارخانهای روسیه در تولید ارابه های جنگی کوشش فوق العاده ای مینمایند معذرا آلمانیها قادر بتولید ارابه های بیشتری میباشند و اگر این برتری آلمانیها در پیش نبود روسیه تا کنون

سرنوشت آلمان را معلوم نموده بود .

پس از بحث در اطراف قسمت نظامی جنگ پیشوای روسیه جنبه سیاسی آنرا مورد بحث قرار داده گفت که منظور آلمانیها تسلط بردنیاست . آلمانیها مصمم اند که نژاد اسلاو را بکلی نابود سازند و بهمین علت است که در روسیه اشغال شده با نهایت قساوت با اهالی رفتار میکنند . آنها خواستار جنگ انهدام اند و ما چنین جنگی را با آنها عملان نشان خواهیم داد .

استالین عقیده مند بود که بسه دلیل اصلی آلمان منهدم خواهد شد . اول تزلزل اساس « امپریالیستی » آلمان و نظام نوین « هیتلر » در اروپا و در این مورد چنین گفت « میگویند که « هیتلر » از هر لحاظ مانند ناپلئون است لکن من میگویم که بین هیتلر و ناپلئون همان شباهت موجود است که بین گربه و شیر . پیشوای آلمان طرفدار ارتجاع است لیکن در مقابل نیروی مترقی از بین خواهد رفت . فقط احمقان هیتلری قادر بدرك این موضوع نیستند که بردگان اروپا روزی بر علیه عظام هیتلر قیام خواهند نمود ، دوم آنکه دولتین انگلستان و آمریکا از روسیه پشتیبانی کامل خواهند کرد . سوم آنکه قدرت تولید این سه کشور به مراتب بر قدرت تولید آلمان برتری دارد . تصمیماتی که در « کنفرانس سه کشور » اتخاذ شد بمورد عمل گذارده شده است ، ارباب های جنگی و هواپیماها مرتباً وارد روسیه میگردند ، دولت انگلستان احتیاجات مواد اولیه شوروی را از قبیل آلومینیوم ، قلع ، نیکل و کائوچو موثفیع خواهد ساخت و دولت آمریکا قرض معتنا بهی بروسیه اعطاء نموده است . اتحاد این سه کشور حقیقتی است که تا حصول منظور اصلی ادامه خواهد داشت و باین سه دلیل اصلی شکست آلمان قطعی است تمام مردم صحیح العمل بایستی بکشور ما در این جنگ بیوندند . ما بهیچوجه حق نداریم کشوری را اشغال کنیم و یا ملتی را مورد تهاجم قرار دهیم ما میل نداریم که در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کنیم . منظور ما آزادی بخشیدن بآنهاست .

در اینموقع چنین بنظر میرسید که « استالین » بیش از اندازه نسبت باوضاع خوشبین است و جریان حوادث نیز بزودی نشان داد که پیشوای روسیه نمیتوانست آتیه ارتش سرخ را بهتر از منقدین خود تشخیص دهد در همان روز

اطلاع حاصل شد که «ماکزیم لیتوینوف» یعنی کسیرا که «استالین» چند ماه قبل از عقد پیمان اوت ۱۹۳۹ آلمان و شوروی ظاهراً از سیاست برکنار نموده بود به سفارت شوروی در آمریکا انتخاب شده است.

حضور نمایندگان فنلاند، مجارستان و رومانی در کنفرانس «ضد کمینترن» نشان داد که دول متبوعه آنان حاضر به همکاری با آلمان و محصم با اجرای مقاصد این کشور میباشند بنابراین دولت انگلستان دلیل کافی برای بررسی درخواست دولت شوروی راجع با اعلان جنگ بدو لتهای نامبرده بدست آورد. در انگلستان هنوز حس خوش بینی و دلسوزی نسبت به فنلاند وجود داشت و این حس در آمریکا که وزارت خارجه آن برای دوری فنلاند از آلمان کوشش فوق العاده نموده بود بیشتر بود. اقداماتی که دولتین انگلستان و آمریکا نسبت به فنلاند نمودند از قرار زیر بود:

در ۱۸ ماه اوت وزارت امور خارجه آمریکا به مسیو «پرکی»^(۱) وزیر خارجه فنلاند درواشنگتن اطلاع داد که دولت روسیه برای عقد صلح جداگانه براساس واگذاری اراضی حاضر میباشد در روز ۳۱ سپتامبر دولت انگلستان بدولت فنلاند اعلام نمود که ادامه سیاست تهاجمی فنلاند نسبت به روسیه کشور فنلاند را در زمره دشمنان انگلستان قرار خواهد داد. در روز سوم اکتبر وزارت امور خارجه آمریکا از دولت فنلاند استفسار نمود آیا فنلاند در نظر دارد پس از رسیدن بمرحلهای قدیمی خود توقف نماید یا آنکه می خواهد در داخل خاک شوروی به پیشروی بپردازد. در روز هفتم اکتبر دولت فنلاند بدولت انگلستان اطلاع داد که جنگ دفاعی ادامه خواهد داشت. در اوائل ماه اکتبر دولت شوروی از دولت انگلستان درخواست نمود که بکشورهای فنلاند مجارستان و رومانی اعلان جنگ دهد. در ۱۷ ماه اکتبر دولت آمریکا طبق یادداشتی بدولت فنلاند اعلام نمود که سیاست دولت اخیر ممکن است در روابط رسمی و اقتصادی آمریکا و فنلاند تأثیر بخشد. در ماه اکتبر یادداشت دیگری علاوه بر تذکرات قبلی دولت فنلاند را از خطر احتمالی دخالت دولت فنلاند در کشتی هاییکه کالاهای آمریکائی را بروسیه حمل مینمودند مطلع ساخت. در یازدهم نوامبر دولت فنلاند یادداشت دولت آمریکا را بدین طریق پاسخ داد که: «خطری کشور فنلاند را مورد تهدید قرار داده و تا موقعیکه این خطر وجود دارد جنگ ادامه خواهد داشت.»

در روز بیستم نوامبر اطلاع حاصل شد که اغلب از سران لشکر فنلاند طرفدار ادامه جنگ میباشند. در بیست و پنجم نوامبر دولت فنلاند پیمان ضد کمیتترن را امضاء نمود و در روز ۲۸ نوامبر موقعیکه دولت انگلستان دریافت که دولت فنلاند قادر و سران لشکر فنلاند مایل بسریچی از فرمان آلمان نیستند آنچه را که دولت روسیه از دولت انگلستان تقاضا نموده بود بمورد عمل گذارد. در شب ۲۶ ماه دسامبر متن یادداشت دولت انگلستان بفنلاند و رومانی و مجارستان منتشر گردید این یادداشتها بوسیله سفرای آمریکا در «هلینگی» «بوخارست» و «بوداپست» بدولتهای فنلاند، رومانی و مجارستان داده شد یادداشت دولت فنلاند حاوی نکات زیر بود:

«در بیست و دوم ماه سپتامبر دولت نروژ از طرف دولت انگلستان پیامی»
 «بدولت فنلاند فرستاد بدین مضمون که اگر دولت فنلاند درتهاجم بخاک»
 «شوروی اسرار ورزد وضعی بوجود خواهد آمد که در نتیجه دولت انگلستان»
 «مجبور خواهد شد دولت فنلاند را نه در طول مدت جنگ بلکه در موقع انعقاد»
 «صلح یکی از دشمنان خود تلقی نماید. لیکن اگر فنلاند جنگ بر علیه»
 «روسیه را خاتمه دهد وزمینهای واقع در مارا و مرز سال ۱۹۳۹ خود را تخلیه»
 «کند دولت پادشاهی انگلستان حاضر خواهد بود که پیشنهادهای مربوط به»
 «بهبودی روابط بین فنلاند و دولت انگلستان را مورد بررسی قرار دهد.»
 «از پاسخ دولت فنلاند معلوم بود که نه تنها مایل با اجرای این درخواست»
 «نیست بلکه مصمم است عملیات تهاجمی خود را نسبت بخاک اتحاد جماهیر»
 «شوروی (متفق بریتانیای کبیر) با همکاری نزدیک با آلمان ادامه دهد.»
 «دولت فنلاند باین بهانه متشکمت شده است که جنگ فنلاند بر علیه شوروی»
 «نیاید بعنوان شرکت این کشور در جنگ اروپا تلقی شود. این اظهار را دولت»
 «انگلستان نمیتواند بهیچوجه قبول نماید.»
 «در یک چنین وضعی دولت انگلستان لازم میدانند بدولت فنلاند اعلام کند»
 «که اگر تا پنجم ماه دسامبر عملیات نظامی فنلاند بر علیه دولت شوروی خاتمه نیابد»
 «و دولت فنلاند عملا از شرکت در جنگ کناره گیری نکند دولت پادشاهی»
 «انگلستان راهی جز اعلام وجود حالت جنگ فیما بین دو کشور نخواهد داشت.»
 «یادداشت دولت انگلستان بدولت رومانی نظیر یادداشت بدولت مجارستان»
 «و بدین مضمون بود:

« چندین ماه است که دولت رومانی در خاک شوروی کشور متفق بریتانیای »
 « کبیر با همکاری نزدیک با آلمان بعملیات تهاجمی پرداخته و در جنگ عمومی »
 « اروپا شرکت جست و بدین ترتیب بعملیات جنگی آلمان کمک شایانی نموده است. »
 « در چنین وضعی دولت پادشاهی انگلستان لازم میدانند دولت رومانی اعلام کنند که »
 « اگر تا پنجم ماه دسامبر دولت رومانی عملیات نظامی بر علیه دولت شوروی را متوقف »
 « نسازد و عملاً از شرکت در جنگ کناره گیری نکند دولت پادشاهی انگلستان »
 « راهی جز اعلام وجود حالت جنگ بین دو کشور نخواهد داشت. »

قبل از انتشار این دو یادداشت مستر ایدن، با تفاق سپهبد نای (۱) عازم
 مسکو گردید. در اوائل زمستان دولت روسیه تقاضای مذاکرات حضوری
 مستر ایدن، وزیر امور خارجه انگلستان و استالین را نموده بود. این
 تقاضا مورد استقبال دولت انگلستان قرار گرفت زیرا انتظار میرفت که این
 ملاقات روابط بین انگلستان و شوروی را چه در طول مدت جنگ و چه پس از
 پایان جنگ بر اساس مستحکمی قرار دهد از طرف دیگر دولت انگلستان مایل
 بود که روابط نظامی بین دو کشور پیش از آنچه که در نتیجه مذاکرات بین
 هیئت نظامی شوروی در لندن و وزارت جنگ انگلستان و یابین ژفرال «ویول» (۲)
 و ستاد ارتش شوروی در قفقاز در ماه اکتبر مستحکم گردیده بود استوار شود
 موقعیکه وزیر خارجه انگلستان و سپهبد نای «وارد» مسکو گردیدند
 دخول ژاپن و آمریکا در جنگ در وضع عمومی مخصوصاً در وضع روسیه تغییر
 کلی داد زیرا ممکن بود این دو قایم بفرمان روسیه بلیان نباید خطر بزرگ این
 بود که ژاپن شاید پس از بدست آوردن موقعیتهای اولیه متوجه روسیه گردد
 و روسیه هم فاقد نیروی کافی برای جنگ دو جبهه بود. از طرف دیگر ممکن
 بود که «ولادیوستوک» (۳) بندر ورود کالاهای جنگی آمریکا بر روسیه بسته شود و از
 طرفی دخول آمریکا در جنگ موجب تقلیل کمک مواد جنگی آمریکا بر روسیه گردد.
 در مذاکراتی که مسکو، مولوتف و استالین، در آن شرکت جستند
 جریان جنگ، استقرار صلح در دنیای بعد از جنگ و ایجاد امنیت در اروپا
 مورد بحث قرار گرفت. سفیر دولت شوروی در انگلستان مسیو «مایسکی»
 و سراسفرد کرییس، سفیر دولت انگلستان در مسکو، در این مذاکرات

حضور داشتند. بعلاوه ملاقاتهای دیگری با حضور « سر کدو گسن (۱) » معاون دائمی وزارت خارجه و سپهبد « نای » معاون ستاد ارتش انگلستان بوقوع پیوست. در این سلسله مذاکرات روح صمیمیت و وحدت نظر راجع بکلیه مسائل جنگی مخصوصاً لزوم شکست آلمان هیتلری و اقدامات اساسی برای جلو گیری از تکرار تهاجم آلمان ادامه داشت. تبادل نظر راجع به مسائل مربوط بسازمان صلح و استقرار امنیت در دنیای پس از جنگ زمینه خوبی برای طرح نقشه های آتیه فراهم نمود. طرفین معتقد بودند که در نتیجه مذاکرات « مسکو » قدم بزرگی در راه تشریک مساعی بین دو کشور برداشته شده است.

قبل از عزیمت « ستر » ایدن، بروسیه ژنرال « سیکورسکی (۲) » نخست وزیر لهستان وارد خاک شوروی گردید. در روز سوم دسامبر مذاکرات دوستانه ای بین او و « استالین » در « کرملین » بوقوع پیوست موضوع مذاکرات طرز عمل ایندو سازمان و تجهیزات ارتش لهستان که قرار بود در روسیه تشکیل گردد و همچنین روابط بین دو کشور در آتیه بود. در روز چهارم دسامبر پس از یک رشته مذاکرات که در آن پرفسور « کت » سفیر لهستان در « مسکو » و « هولوتف » شرکت جستند اعلامیه واحدی مبنی بر دوستی و کمک طرفین بیکدیگر بوسیله « استالین » و « ژنرال سیکورسکی » امضاء گردید. این اعلامیه شامل مواد زیر بود:

این دو کشور بکمک دولت انگلستان و سایر ملل متفق و با پشتیبانی دولت آمریکا جنگ را تا حصول پیروزی کامل و درهم شکستن مهاجمین هیتلری ادامه خواهند داد. هر یک از آنها متعهد میشوند که از هر گونه کمک نظامی بدیگری دریغ ننمایند. طرفین متعهد میگرددند که پس از انعقاد صلح روابط بین دو کشور را بر اساس دوستی، همکاری و احترام نسبت به تعهداتی که هر یک نموده اند قرار دهند.

پس از پایان جنگ دول متفق باید بوسیله ایجاد سازمان جدید و استقرار روابط بین المللی بر اساس وحدت و یگانگی و اتحاد همیشگی بین ملل دموکراسی صلح دائم و عادلانه ای بوجود آورند.

روابط بین دول باید در تحت یک نیروی واحد بین المللی قرار گیرد و فقط با این شرایط است که میتوان اروپائی را که بدست آلمانیها ویران گردیده دوباره بحال عادی برگرداند.